

## بهرز سون: نامه سرگشاده یک تبعیدی به مسئولین جمهوری اسلامی بمناسبت فرا رسیدن سال 2011



GOZARESHGAR

GOZARESHGAR.COM

تبعیدی اما هویتی دیگر دارد. تبعیدی کسی است که ناسازگاری میکند. ناسازگاری با هر آنچه که آزادی اش را در گفتار منع میکند و زبان سرخ دارد. زبانی که میتواند سر سبزش را در نظمی ظالمانه و سرمایه زده بر باد دهد. دلسوز مردم و شرایط اسفبار آنان است و به آرمانهایش که جز آزادی و رهائی از نابرابری نیست، وفادار و معتقد و متعهد است. برای کاسبی و حمل دلار و یورو چمدانش را نبسته است و به دیار غربت نیامده است. در چمدانش جز جان عزیزش که هر لحظه در نظم حاکم گرفتگی است، ندارد. از میل و علاقه اش به تبعید نیامده و بازگشتش را مشروط به تغییرات بنیادین در زیستگاهش و موطنش میداند. تبعیدی ذات جنایت پیشگان حاکم را بخوبی دریافته است و از همینرو شرط بازگشت خود را حذف سیاسی کلیت جمهوری اسلامی میداند.

.....

سال 2011 هم آغاز شد. این سال شاید برای آنها که در داخل کشور زندگی میکنند معنی و مفهومی چندان نداشته باشد اما برای طیف میلیونی تبعیدیان در خارج از کشور بعنوان شروع فصل جدیدی بلحاظ زندگی روزمره و بشکلی آغازی نوین برای مقاومت و ایستائی در برابر جمهوری اسلامی محسوب میشود. رژیمی که آنان را به تبعید فرستاده است و از هیچ اقدامی برای فشار به آنها و به سکوت و اداری کردن آنان کوتاهی نکرده و نمیکند.

با روی کار آمدن اصلاح طلبان تبلیغ بازگشت به وطن!! و تسهیلات ورود و خروج تبعیدیان بالا گرفت و در این زمینه رسا ترین فریادها را از زبان سازمان اکثریت و اتحاد فدائیان بخوانیم اتحاد جمهوریخواهان بصدا در آوردند. رایزنی های رهبران آنان با مسئولین و سفرای جمهوری اسلامی در کشورهای اروپائی و دیگر کشورها بالا گرفت و بسیاری از وابستگان آنان رفت و آمد!! را پیشه کردند.

تبعیدی اما هویتی دیگر دارد. تبعیدی کسی است که ناسازگاری میکند. ناسازگاری با هر آنچه که آزادی اش را در گفتار منع میکند و زبان سرخ دارد. زبانی که میتواند سر سبزش را در نظمی ظالمانه و سرمایه زده بر باد دهد. دلسوز مردم و شرایط اسفبار آنان است و به آرمانهایش که جز آزادی و رهائی از نابرابری نیست، وفادار و معتقد و متعهد است. برای کاسبی و حمل دلار و یورو چمدانش را نبسته است و به دیار غربت نیامده است. در چمدانش جز جان عزیزش که هر لحظه در نظم حاکم گرفتگی است، ندارد. از میل و علاقه اش به تبعید نیامده و بازگشتش را مشروط به تغییرات بنیادین در زیستگاهش و موطنش میداند. تبعیدی ذات جنایت پیشگان حاکم را

بخوبی دریافته است و از همینرو شرط بازگشت خود را حذف سیاسی کلیت جمهوری اسلامی میدانند. در این زمینه هم بیکار نمی نشینند و تا توان دارد و راه میرود بر دیوارهای مرزهای کشور میکوبد که ما اینجائیم و هر لحظه غفلت تان را زیر نظر داریم.

هر چند که رسانه هایشان در خارج از کشور را نیز بلوکه، هک و یا فیلتر کرده اید اما سکوت نخواهند کرد. چنانچه شما با تکیه بر بودجه های کلان کشورمان مزدور میخرید و ارگان پس از ارگان برای سرکوب و نابودی آزادیخواهان در کشورمان بنیان می نهید، تبعیدیان نیز بسیاراند و موجی هستند که هنوز پس از سالها در تبعید بسر بردن اما جان به کف دارند و لحظه ای آرام نمی گیرند، شوری فزاینده و عشقی پایان ناپذیر به مردم کشورمان دارند. لحظه ای غافل نخواهند ماند و صدای داخل کشور را با هزاران ابزار به گوش شنوای جهانیان خواهند رساند.

بترسید از زمانی که نتوانید حکومت کنید و مردم هم شما را تحمل نکنند. آنگاه ذخیره پتانسیلی مردم کشورمان تبعیدیان خواهند بود. آنان که بسیاراند و لحظه به لحظه دوران تبعیدشان را برای سست کردن پایه های نظامتان بخدمت میگیرند. تبعیدی مطلقا همپا و در کنار مردم کشورمان خواهد ایستاد و محرومان و ستم کشیدگان را تنها نخواهد گذاشت و همانطور که تا کنون نشان خواهد داد که چه توانائی هائی را داراست. این توانائی ها میتواند خرمن انباشته ستم و جهل تان را برافروزد و به خاکستری بی نشان مبدل کند. آینده و مردم کشورمان اصلاحتان نخواهد کرد. حذفتان میکند.

بسیاری از تبعیدیان نیز در خارج از کشور از شما هستند و این امر بر هیچ کس پوشیده نیست. از فرستادگانتان که در پوشش مخالفت با شما سرازیر غربت شدند و به آرامی وظایف جاسوسی خود را بعهدہ گرفتند تا آنانی که خود را در میان سازمانهای متشکل مخالف جا کردند و مسیر جریان اطلاعات را از میان تبعیدیان به وزارت اطلاعاتتان تسهیل کردند. همه و همه اندوخته های تجربی موج تبعید است.

موی خود را در غربت و مهاجرت سپید کرده اند و این سپیدی را گرد و غبار تجربه سه دهه خونین حاکمیت تان به آنها ارزانی کرده است. می کشید، میزنید و اعدام می کنید همانطور که کارنامه سه دهه خونین حاکمیت تان نشان میدهد اما سیلی جانانه این موج را نیز هر از گاهی دریافت کرده اید. همانکه در کارزارها برایتان محسوس بوده است و آنچه در همراهی نهادهای بین المللی کارگری و حقوق بشری بطور موردی بر روند ماشین قتل و غارتتان هر از گاهی اختلال ایجاد کرده است.

آخر کلام اینکه تبعید همچنان ایستاده است و سال 2011 را به سالی سرشار از مبارزه خستگی ناپذیر و ناسازگاری با نظام سراسر فساد و سرکوب و کشتارتان تبدیل خواهد کرد. رویارویی تبعیدیان با شما و شاید در ابعادی بسیار وسیعتر و همدلانه تر نوید شروع فصلی نو در مبارزه تمام عیار این موج با حاکمیت تان بدانید.

حذف بنیادین جمهوری اسلامی در کلیت آن برنامه تبعید و مردم ایران است.

بهروز سورن

1.1.2011